

نقش متغیرهای ژئوپلیتیکی در چالش مرزی ایران و عراق

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

علی امیری^۱، حمید مستجابی سرهنگی^۲، علیرضا محمدی اطهر^۳

از صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۴

چکیده

ژئوپلیتیک هر کشوری یکی از بنیادهای شکل‌گیری قدرت ملی آن است. هر کشوری از چالش‌ها و فرصت‌های ژئوپلیتیکی برخوردار است که در تقویت یا تضعیف قدرت ملی و یا پیشبرد منافع و اهداف ملی آن اثر فراوانی دارند. چالش‌های ژئوپلیتیکی از مواردی هستند که فرصت را برای مداخله رقبا و تحمیل اهداف آن‌ها فراهم می‌سازد.

دو کشور ایران و عراق دارای چالش‌های ژئوپلیتیکی فراوانی نسبت به همدیگر هستند که همواره روابط آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده و از هشت سال جنگ دوجانبه تا همکاری مسالمت آمیز در بین آن‌ها قابل مشاهده است.

این مقاله با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به مقالات و کتب و وب‌گاه‌های مختلف در این زمینه به گردآوری اطلاعات پرداخته و سپس این اطلاعات و داده‌ها از طریق روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

نتایج این مقاله به معرفی چالش‌های ژئوپلیتیکی دو کشور پرداخته و آن‌ها را مورد تحلیل و شناسایی قرار داده است. این چالش‌ها در عین آنکه می‌توانند برای هر کدام از طرفین شرایط نامناسبی را به وجود آورده و آسیب‌پذیری آن‌ها را نشان دهد، می‌توانند به عنوان یک فرصت ژئوپلیتیکی هم مورد استفاده طرفین قرار گرفته و از آن بر علیه یکدیگر استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها

ایران، عراق، الگوی های پوتیتکا، مرز، چالش ژئوپلیتیکی.

۱. استادیار گروه علوم جغرافیایی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، amiri.ali@lu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳. مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین

مقدمه

پدیده‌های جغرافیایی موجود در مرز کشورهای همسایه همواره به دو صورت مثبت و منفی روابط کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در وجه مثبت باعث همکاری و پیمان‌نامه‌های مشترک می‌شوند و در وجه منفی باعث مشاجره، اختلاف و حتی جنگ بین طرفین می‌شوند. برتری وجه دوم بر وجه نخست اندیشمندان جغرافیای سیاسی را بر آن داشته است تا به بررسی علل اختلافات مرزی متأثر از عوامل جغرافیایی بین کشورها همسایه پرداخته و علل جغرافیایی این اختلافات را شناسایی کنند که منجر به ارائه الگوها و نظریاتی شده است. الگوی‌های پوتیتکا از هاگت بهترین مثال در این زمینه است.

بزرگ‌ترین وقایع ناگوار تاریخ بشر معمولاً منشأ جغرافیایی داشته‌اند. ادعاهای سرزمینی کشور آلمان نسبت به همسایگان خود باعث شعله ور شدن جنگ جهانی دوم شد. حس دسترسی به دریا از جنوب برای روس‌ها همیشه کعبه آمل بوده و به همین خاطر در طول تاریخ درصدد تصرف سرزمین کشورهای جنوب خود بوده‌اند. در خاورمیانه رقابت اعراب و اسرائیل برای سرزمین فلسطین، یا بر سر رودهای وارده به اسرائیل، مشاجره عراق و سوریه با ترکیه بر سر رود فرات، مشاجره ایران و اعراب بر سر جزایر خلیج فارس، نقش عوامل جغرافیایی را در مشاجرات منطقه‌ای نشان می‌دهد.

کشمکش بین ایران و عراق بر سر چگونگی حاکمیت رودخانه اروندرود منجر به هشت سال جنگ بین دو کشور شد که جزء میلیاردها دلار خسارت، ویرانی و تلفات نیروی انسانی، چیزی برای دو کشور به همراه نداشت.

در این تحقیق به شناسایی پدیده‌های جغرافیایی می‌پردازیم که در مرز دو کشور همسایه ایران و عراق می‌توانند زمینه‌ساز مشاجره و منازعه بین دو کشور شوند.

چارچوب نظری

چالش ژئوپلیتیکی^۱: عبارت است از ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی؛ به عبارتی منفعل کردن سیاست و راهبرد ملی دیگر کشورها، با کاربرد عوامل و ارزش‌های جغرافیایی، یا کاربرد جغرافیا علیه کشورهای رقیب. کشورها و دولت‌ها برای ضربه زدن بر رقیب خود یا محدودسازی قدرت مانور و عمل آن از ابزارها و روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. یکی از روش‌ها و ابزارها، کاربرد جغرافیا، ارزش‌ها و عناصر جغرافیایی علیه دیگران است. ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی اعم از متغیر و ثابت، طبیعی و انسانی، مکانی و فضایی دارای طیف گسترده‌ای هستند که کاربرد یک یا تعدادی از آن‌ها بر علیه کشور رقیب یا حریف می‌تواند آن را به زانو درآورده و مواضع سیاسی وی را منفعل کند و سبب شود تا بازیگر، خواست‌ها و اراده خود را بر آن تحمیل کند. هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیکی، ایجاد انفعال در طرف مقابل؛ به منظور تغییر رفتار آن است؛ مانند کاربری گروه‌های قومی - فضایی علیه یکدیگر توسط کشورهای هند و پاکستان یا ایران و عراق، طرح مسئله جزایر سه‌گانه و تغییر نام خلیج فارس توسط اعراب علیه ایران، مهار سرچشمه و مسیر رودخانه هیرمند توسط افغانستان، احداث خط لوله انتقال انرژی باکو - جیحان، تشکیل گروه شانگهای در رابطه با نفوذ آمریکا در آسیا، توسعه فناوری انرژی‌های نو در برابر انرژی‌های فسیلی، ایجاد محدودیت ترانزیتی برای کشورهای محصور در خشکی، کاهش تولید نفت توسط اوپک و نظایر آن (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۲۱).

منابع تنش کشورها: بقای کشورها دائم در معرض فشار و تنش بین دولت‌ها قرار دارد. کشورها برای تعریف و تعیین حقوق خود، معمولاً علایق جداگانه‌ای را پی‌گیری می‌کنند که گاه به نزاع بین آن‌ها منجر می‌شود. «مورخان زیادی در طول قرون، علل جنگ را کاوش کرده‌اند، ولی تلخیص یافته‌های پیچیده و متناقض آن‌ها غیرممکن

1. geopolitical challenge

است» (هاگت، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰). با وجود این، نقش عوامل جغرافیایی را در نظریات بسیاری از آن‌ها می‌توانیم مشاهده کنیم. این جمله ناپلئون: «سیاست دولت‌ها در جغرافیای آنان است» (دوورژه، ۱۳۸۲، ص ۶۶) اگر ما را به دام جبر جغرافیایی نکشاند؛ گویای بسیاری از حقایق در روابط خارجی دولت‌ها است.

پرسکات اختلافات مرزی را در چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند: اول اختلافات ارضی که در مورد این است که کدام کشور حق حاکمیت در قطعه‌ای خاص از سرزمین را دارد. دوم، اختلاف مکانی که شامل اختلاف نظرها در مورد تفسیر اسناد مشخص‌کننده مرز است. هر دو این‌ها ممکن است منجر به تغییر محل مرز شود. اختلافات کارکردی فقط مربوط به مواردی است که کارکردهای دولت از قبیل حقوق گمرکی و واپایش مهاجرت باید در داخل مرزهای کشور اجرا شود؛ در حالی که دسته چهارم پرسکات، اختلاف بر سر توسعه منابع، لزوماً مرز را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد (پرسکات، ۱۳۵۸، ص ۷۲ و مویر، ۱۹۷۵، ص ۱۷۵).

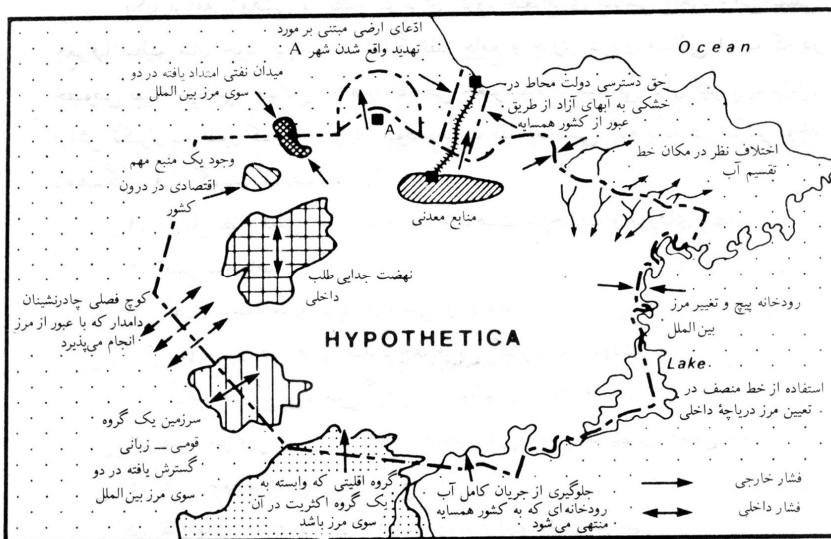
ریاضیدان لوئیز ریچاردسون در کتابی فریبنده تحت عنوان «آمار کشنده» جنگ را حیاتی می‌پنداشت. او در این کتاب، قبل از دوره موشک قاره‌پیما ثابت می‌کند استعداد روابط بین ناحیه‌ای (از جمله مشاجره) تابع تعداد همسایگان است. ریچاردسون می‌گوید: در کشوری مانند آلمان ۱۹۳۶ با نه کشور مجاور قلمرو خود، بر طبق این خط فکری، نسبت به کشوری دیگر مانند پرتغال، تنها با یک همسایه، بسیار بیشتر امکان حدوث مشاجره وجود داشت. اگر قلمروها در یک ناحیه خشکی باز نزدیک به هم فشرده شوند، تعداد متوسط همسایگان حداکثر به شش می‌رسد. شکل کروی زمین بدین معناست که اگر کشورها به رشد خود ادامه دهند تعداد همسایگان باید کاهش یابد و دنیا از این رو، تنها تحت سلطه دو کشور در خواهد آمد و تعداد همسایگان فقط به یک کشور کاهش خواهد یافت. گرچه طبق نظریه ریچاردسون، این تنظیم و ترتیب کشورها بالقوه از مشاجرات می‌کاهد، مقیاس مشاجره بین دو دنیای دو کشوری، بسیار عظیم خواهد بود (هاگت، ۱۳۷۹، ص ۳۷۸).

اما مهم‌ترین نظریه در زمینه بررسی عوامل جغرافیایی در مشاجره بین کشورها مربوط به پیتر هاگت است. «هاگت ضمن ارائه الگویی از کشوری محصور در خشکی، (های پوتیتکا) دوازده محور جغرافیایی بالقوه در دسرزا را که می‌توانند موجب مشاجره و منازعه دولت‌های همسایه شوند، تشریح می‌کند:

- ۱- تمایل دولت محصور در خشکی برای دسترسی به آب‌های آزاد از طریق فضای سرزمینی کشور همسایه یا کشورهای همسایه؛
- ۲- اختلاف تفسیر درباره خط تقسیم آب (آب پخشان)؛
- ۳- تغییر مرز بین‌المللی به دلیل تغییر مسیر رودخانه؛
- ۴- اختلاف در تعیین مرز و چگونگی بهره‌برداری از دریاچه مشترک؛
- ۵- ربودن آب دست بالای رود؛
- ۶- گسترش سرزمین یک گروه واحد قومی در دو سوی مرز بین‌المللی؛
- ۷- حمایت از گروه اقلیت وابسته به گروه اکثریت در آن سوی مرز؛
- ۸- کوچ فصلی چادرنشینان دامدار در دو سوی مرز؛
- ۹- ادعای ارضی مبتنی بر تهدید شهرهای مرزی؛
- ۱۰- جنبش جدائی طلبانه داخلی، مورد همسایه یا همسایگان؛
- ۱۱- منبع نفتی امتداد یافته در دو سوی مرز؛
- ۱۲- منابع مهم معدنی با موقعیت سرحدی (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۱۷) (نقشه شماره ۱).

اما منابع جغرافیایی مشاجره بین دولت‌ها به موارد بالا محدود نمی‌شود، و موارد بسیاری را نیز می‌توان به آن‌ها اضافه کرد و بعضی موارد جدید نیز در زمان‌های آتی ظهور خواهند نمود.

همچنین باید اذعان داشت که عوامل جغرافیایی، برخلاف موارد بالا، تنها منجر به درگیری و منازعه نمی‌شود، بلکه می‌توانند زمینه‌ساز همکاری‌های گسترده و شکل‌گیری تفاهمات و قراردادهای دوجانبه نیز باشند.



نقشه ۱: الگوی های پوتیتکا: منابع جغرافیایی تنش های بین المللی

منبع: (دریسدال و بلیک، ۱۳۷۰، ص ۱۴)

پیشینه تحقیق

محمدی (۱۳۹۳) طی تحقیقی با عنوان «تحلیل ژئوپلیتیک روند تغییر ماهیت مرز ایران و عراق بعد از انقلاب اسلامی» به کارکرد مرز مشترک ایران و عراق می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که تا قبل از سقوط رژیم بعث در عراق، کارکرد سیاسی-امنیتی بر مرزهای دو کشور حاکم بوده ولی با تحولات صورت گرفته در عراق و روی کار آمدن دولت جدید، مرز دو کشور تغییر ماهیت داده و کارکرد ارتباطی - تجاری آن پررنگ شده است.

نامی و محمدپور (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه عوامل ژئوپلیتیکی ایران و عراق» به این نتیجه دست یافتند که شرایط و ویژگی های ژئوپلیتیکی در ایران نسبت به عراق بسیار مطلوب تر و برتر است.

محمدی و خالدی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با موضوع بررسی فرصت‌ها و تهدیدات هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی ایران و عراق به بررسی چالش‌ها و فرصت‌های

هیدروپلیتیکی ایران در قبال عراق پرداختند و به این نتایج رسیدند که مهار آب‌های ورودی به عراق از سوی ایران دارای آثار مثبت و منفی فراوانی است؛ اما ایران ضمن حفظ منافع ملی خود، باید توجه داشته باشد که تحقق مهار آب‌های سطحی، کمترین آسیب را به روابطش با عراق و احساسات مردم منطقه وارد سازد.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از نظر نوع و ماهیت توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری اطلاعات به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای مرتبط با موضوع مورد نظر است.

یافته‌های تحقیق

الف) تنگنای ارتباطی عراق در دسترسی به دریا: با اینکه کشور ایران قسمت شمالی سواحل خلیج فارس و بخش عمده‌ای از دریای عمان را در اختیار دارد؛ اما کشور عراق در زمره کشورهای است که دارای سواحل نامناسب می‌باشند. «عراق کمترین ساحل را در خلیج فارس (حدود ۵۵ کیلومتر) دارد که اغلب سواحل آن دارای آب عمیق نبوده و در نتیجه مناسب ایجاد بنادر مطمئن و قابل استفاده نیستند. بنادر بصره و ام‌القصر نمی‌توانند پذیرای کشتی‌هایی با ظرفیت بالاتر از ۳۰ هزار تن باشند» (الهی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷). بندر فاو عراق هرچند در دهانه اروندرود قرار دارد؛ اما به علت باتلاقی و رسوبی بودن؛ برای کشتیرانی مناسب نیست. به همین علت عراق اسکله‌هایی شناور در اطراف این بندر احداث کرده است که مهم‌ترین آن‌ها اسکله‌های البکر و الامیه هستند (همان).

آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک عراق؛ به لحاظ محدودیت دسترسی این کشور به آب‌های آزاد است (صحفی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸). عراق برای رهایی از این تنگنای ارتباطی خود؛ سیاست توسعه‌طلبانه‌ای در پیش گرفته و مهم‌ترین عامل محوری در سیاست

خارجی این کشور از آغاز استقلال تا امروز در ارتباط با دو کشور همسایه خود؛ یعنی ایران و کویت بوده است. هر چند که حمله عراق به کویت تنها برای غلبه بر این تنگنای ژئواستراتژی خود نبود؛ اما «مهم‌ترین انگیزه عراق برای ضمیمه کردن کویت به خاک خود، ادعای عدم دسترسی آزادانه این کشور به خلیج فارس بود» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۲۶۸).

بنابراین ملاحظات عراق با تسلط بر کویت (که طول سواحل آن چهار برابر سواحل عراق است) نه تنها به آب‌های عمیق دسترسی پیدا می‌کند بلکه با تأمین عمق راهبردی مناسب‌تر، راه را برای داشتن نقش فعال و مؤثرتر در خلیج فارس و دستیابی به اهداف توسعه‌طلبانه خود در منطقه هموار می‌نماید. اهداف عراق تسلط بر سواحل شمالی (خاک ایران) و جنوبی (خاک عربستان و سایر شیخ‌نشین‌ها) خلیج فارس است (الهی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۷).

در ارتباط با ایران با توجه به این عامل و عوامل دیگر، کشور عراق در بعضی ادوار سیاسی همچون دوران حزب بعث، علاوه بر ادعای حاکمیت مطلق بر رودخانه اروندرود، درصدد دنبال کردن برنامه‌های تجزیه خوزستان و الحاق این استان به کشور خود بوده است. در پی‌گیری این اهداف، عراق جنگ تحمیلی هشت ساله را با میلیون‌ها دلار خسارت بر دو کشور تحمیل کرد. عراق همچنین «ایران را با بیش از ۱۰۰۰ کیلومتر ساحل، کشوری بیگانه در خلیج فارس می‌داند و ضمن آنکه آن را خلیج عربی می‌نامد، ادعا می‌کند که خلیج فارس متعلق به اعراب است و ایران آن را اشغال کرده است. به همین جهت خلیج فارس را فلسطین دوم می‌نامد» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۲۵۵).

تلاش عراق برای خفگی ناشی از دسترسی نداشتن به آب‌های آزاد، واقعیتی است راهبردی که می‌تواند همچنان منشأ استمرار بحران‌ها باشد و ناآرامی منطقه‌ای را گسترش دهد (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۵). همین سیاست‌های توسعه عراق در خلیج فارس؛ یعنی به طور اعم نسبت به خاک کشور کویت و به‌طور اخص جزایر به و بیان وره آن کشور و همچنین اروندرود، مانع از افراز فلات قاره بین سه کشور شده است.

البته این تنگنای ژئواستراتژیک کشور عراق، می‌تواند زمینه‌ساز همکاری این کشور با همسایگان جنوبی خود باشد. کشور عراق در صورت داشتن روابط دوستانه با این همسایگان، می‌تواند از بنادر و زیرساخت‌های دریایی این کشورها برای گسترش ارتباطات خود استفاده کند؛ اما به علت سیاست‌های توسعه‌طلبانه دولت‌های حاکم بر عراق در طول تاریخ، زمینه شکل‌گیری نگرش‌های منفی نسبت به این کشور را در بین دو همسایه خود به وجود آورده است و زمینه‌ساز سیاست‌های مناقشه‌برانگیز بوده تا سیاست‌های همکاری جویانه.

ب) قلمرو دریایی تعیین نشده: همان‌طور که اشاره شده، مرز دریایی کشور عراق با همسایگان خود در خلیج فارس؛ یعنی کشورهای کویت و ایران هنوز مورد توافق قرار نگرفته است. مرز دریایی ایران و عراق در حقیقت ادامه مرز خشکی دو کشور در اروندرود (اروندروود) است (میرحیدر و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۵). تعیین نشدن مرز دریایی این سه کشور یکی به دلیل ادعاهای دولت عراق به تمام یا بخشی از کشور کویت است که با کشف نفت در نزدیکی شهر کویت در سال ۱۹۳۸ آغاز شد و تا امروز ادامه دارد و همین امر سبب معلوم نبودن خط مرزی بین عراق و کویت است و دلیل دیگر، خط مبدأ مستقیم تعیین شده توسط دو کشور ایران و کویت در پشت دو جزیره خود یعنی خارک و فیلکه است. هر دو کشور جزیره خود را قبل از خط مبدأ، ولی جزیره طرف مقابل را پشت خط مبدأ قبول دارند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۴، ص ۷۶). مطمئناً به علت پیامدهایی که برای کشور عراق دارد، این کشور چندان تمایلی به تعیین این مرز دریایی نمی‌بیند؛ چرا که در صورت تعیین قلمرو دریایی سه کشور، عراق خود را در خلیج فارس بیشتر محصور حس می‌کند و از طرف دیگر سند تأییدی برای پایان بخشیدن به ادعاهای سرزمینی خود با دو کشور همسایه نسبت به اروندرود و خاک کویت یا جزایر آن است.

ج) هیدروپلیتیک^۱ رودخانه‌های مرزی دو کشور: مهم‌ترین اختلافات ناشی از منابع مرزی خاورمیانه، در خصوص رودخانه‌ها پیش آمده است. چنین اختلافاتی، به‌ویژه در مناطقی که مشکل حاد کمبود آب وجود دارد، به صورت آزار دهنده‌ای بروز می‌کنند. اختلافات بین ترکیه، سوریه و عراق بر سر تقسیم آب رودخانه فرات یک مثال زنده است (دریسدال، ۱۳۷۰، ص ۱۲۴). سرزمین پست بین النهرین به دلیل ویژگی‌های توپوگرافیکی خود، باعث شده که آب سرزمین‌های مرتفع شمال و شرق به سوی آن جریان پیدا کنند.

بیش از ۸۰ درصد آب رودخانه‌های غربی فلات ایران، در قالب چندین رود کوچک و بزرگ به بین النهرین وارد می‌شوند و بخشی از آن‌ها دجله را تقویت می‌کنند (اطلس منابع آب ایران، ۱۳۶۹). رودهای آورچای، لاورین چای، بانه چای همچنین رودهای چومان و شیخان که شاخه‌های اصلی زاب کوچک‌اند، همچنین قزل سو و رودخانه‌های آب شمشیر، ليله، زمكان، آب زرشک، هواسان، الوند، قوره پو، دیره، تنگاب، چم امام حسن، کنکاگوش، کانی شیخ، سده، تلخ آب، گدار خوش، چم سرخ، کنجان چم، گاوی، چنگوله، میمه و دویرج، از خاک ایران سرچشمه می‌گیرند و وارد خاک عراق می‌شوند (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۲). به طور کلی ۶۷ درصد آب اروند به تنهایی از ایران تأمین می‌شود (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷، ص ۳۵۶). بسیاری از این رودخانه‌ها مرز دو کشور را تشکیل می‌دهند.

در صورت اجرای طرح‌های توسعه‌ای برای استفاده بیشتر از آب این رودخانه، جهت استفاده کشاورزی یا صنعتی، موجب اعتراض کشور عراق شده و زمینه اختلافات مرزی را فراهم می‌آورد. دو کشور سدهایی بر روی این رودخانه‌ها زده‌اند. در گذشته «در حالی که دولت عراق شکایت داشت که ایران با ساختمان سد، آب‌ها را از سرزمین عراق برگردانده است. دولت ایران شکایت دارد که عراق با ساختن سد دربندیخان، چندین دهکده و زمین‌های ایرانیان را زیر آب‌های دریاچه سد فروبرده است (سد

دربندیخان بر روی رودخانه دیاله ساخته شده است و توانائی ذخیره سازی ۳/۵ میلیارد مترمکعب آب را دارد (عزتی، ۱۳۸۱، ص ۲۷). ساخت سد دربندیخان از بعد نظامی موقعیت راهبردی به ایران بخشیده است. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه خود اهمیت نظامی این موقعیت را یادآور شدند. «نصف سد دربندیخان را گرفتیم، اگر روی سد می رفتیم کاملاً همه چیز عوض می شد و دیگر عراق نمی توانست از ضربه های غیرنظامی علیه ما استفاده کند. اگر آب سد را باز می کردیم، بغداد غرق می شد» (سایت خبرگزاری مهر).

دولت عراق در سال ۱۹۶۰ ایران را متهم به برگرداندن آب رودخانه هایی که از ایران سرچشمه می گیرند و وارد خاک عراق می شوند، نمود. عراق ادعا کرده بود که ایران مسیر رودهای کنگر، کنجان چم و الوند را تغییر داده و با این اقدام خود زیان هایی به آن کشور وارد کرده است. دولت عراق این امر را مغایر صورت جلسات ۱۹۱۴ و موازین بین المللی اعلام کرده بود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸). در مورد رودخانه کنجان چم که طبق پروتکل ۱۹۱۴ بین ایران و عثمانی حدود بیست کیلومتر از مرز ایران و عراق را تشکیل می دهد، شهر زرباتیه عراق در ساحل راست این رودخانه قرار دارد و به وسیله کانال هایی از آن استفاده می کند. پس از ساختن کانال جدیدی در بهار ۱۹۳۱، دولت عراق اعتراض و تقاضای تقسیم آب های این رودخانه را توسط یک کمیسیون مشترک از دو طرف کرد» (هاتف، ۱۳۷۱، ص ۴۰).

از مهم ترین رودخانه های مرزی دو کشور که می توان به عنوان نماد تأثیرگذارترین عامل جغرافیایی در روابط دو کشور از آن یاد کرد؛ رودخانه اروندرود است.

اروندرود و مسائل آن: شاخه های رودخانه اروندرود که از کوه های کشورهای ترکیه و ایران سرچشمه می گیرند، در ۸۰ کیلومتر آخر خود، مرز مشترک دو کشور ایران و عراق را تشکیل می دهند. این رودخانه از جنبه های گوناگون می تواند مناقشه بین دو کشور همسایه را برانگیزد.

نخست از جنبه حقوقی، که رژیم حقوقی تعیین شده برای این رودخانه در معاهده ۱۹۷۵ الجزایر بین دو کشور، که همان خط مرزی تالوگ است، خط مرزی مورد پذیرش رژیم سابق کشور عراق نبوده، و این کشور سعی داشت که رودخانه را داخلی قلمداد کند و همین مسئله مهم ترین بهانه برای آغاز یک جنگ هشت ساله بین دو کشور از جانب عراق بود.

دومین مورد، از ویژگی های هیدرولوژیکی رودخانه اروندرود ناشی می شود. «سطح آب اروندرود در بهار که سیلاب های تند و افسار گسیخته ای به راه می افتد، بالا می آید و ۱۰ کیلومتر در خاک دو کشور ایران و عراق پیش می رود؛ در نتیجه، به طور دائم در تغییر است: در بهار پیش می آید و در پاییز عقب می رود؛ بنابراین، اگر ادعای عراق را بپذیریم که مرز دو کشور در ساحل چپ اروندرود است، این مرز سالی دو بار باید تغییر کند و در این صورت، این چگونه مرزی است که همیشه در حال تغییر است؟ در اثر طغیان اروندرود، همواره در دیواره های رود شکستگی پیدا می شود و در اثر این پدیده طبیعی، رسوب ها و گل ولای بسیار بر سطح زمین های مجاور باقی می ماند» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹).

اروندرود به علت رسوباتی که به خلیج فارس وارد می کند، به تدریج از وسعت خلیج فارس کم کرده بر دلتای خود در خلیج فارس می افزاید. «بر اساس تحقیقات راولینسن، اروندرود در مدت ۶۰ سال، ۳۲۰۰ متر دلتا تشکیل داده است؛ به عبارت دیگر، پیشروی خشکی در آب در هر سال ۵۳ متر بوده است. برآورد کرده اند که اروندرود طبق تحقیقات بورس، سالانه ۷۲۵ میلیون متر مکعب رسوبات وارد خلیج فارس می کند» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷، ص ۳۵۵). این حجم رسوبات رودخانه باعث شده که دلتای رودخانه در هر دوره زمانی، مقداری در خلیج فارس پیش رفته، در نتیجه خط مبدأ دریایی دو کشور به داخل خلیج فارس پیش رفته و باید مورد بازبینی قرار گیرد. تغییر در خط مبدأ تغییر در کلیه مرزهای مناطق دریایی دو کشور و کشورهای همسایه را به همراه دارد.

دیگر مسئله اثرگذار رودخانه اروندرود، به عدم لایروبی این رودخانه برمی‌گردد. از آغاز جنگ، به رودخانه اروندرود که بسیار رسوب آور است و به طور معمول نیاز به لایروبی مستمر به ویژه در کانال روکا دارد؛ رسیدگی لازم نشده است. علاوه بر این، به دلیل وجود تعداد زیادی مین‌های دریایی و سایر سلاح‌های منفجر نشده در لای رسوبات و لاشه‌ده‌ها کشتی غرق شده، رفت‌وآمد شناورها و حتی صید انتظاری، ناامن و پر خطر است» (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۵۰). براساس قرارداد الجزایر که در زمان رژیم پهلوی بین ایران و عراق در کشور الجزایر منعقد شد؛ قرار بود لایروبی کارون را هر ده سال، یک کشور انجام دهد ولی سالی که نوبت عراق بود، با آغاز جنگ تحمیلی مصادف شد و از آن زمان تاکنون این آبراه دست نخورده مانده و به عبارتی دیگر آخرین لایروبی در این آبراه به سال ۱۳۵۶ بازمی‌گردد (<http://shabche.ir>).

کشور عراق به دلیل نقش حیاتی که این رودخانه در ارتباطات دریایی آن دارد، بیشتر از کشور ایران به این مسئله پرداخته و خواهان لایروبی آن است. در مذاکرات صلح بین ایران و عراق در سوم شهریور ۱۳۶۷، کشور عراق یکی از پیش‌شرط‌های خود را لایروبی این رودخانه عنوان کرد و همواره بر آن پافشاری نمود.

این مسئله در حال حاضر از طرف ایران به طور جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته است. رئیس‌جمهور ایران، آقای روحانی در دیدار خود با مجمع نمایندگان استان خوزستان بر ضرورت پاک‌سازی اروندرود تأکید کرد و گفت: فعال‌سازی، پاک‌سازی و لایروبی اروندرود که باید با مشارکت کشور عراق انجام شود، جزو اولویت‌های این دولت است. همچنین در دولت دهم نیز لایروبی اروندرود یکی از مهم‌ترین مصوبات دور اول سفر احمدی‌نژاد به استان خوزستان بود و این موضوع در شمار یکی از سرفصل‌های تفاهم‌نامه ایران و عراق قرار گرفت که البته مذاکراتی نیز با طرف‌های عراقی در این باره صورت گرفت؛ اما هیچ‌گاه این گفتگوها و توافقات عملیاتی نشد (<http://shabche.ir>).

بعد از خروج غربی‌ها از خاک عراق و بعد از تشکیل کابینه در این کشور، دولت ایران برای تحقق این اتفاق با طرف عراقی وارد مذاکره شد؛ مذاکره انجام می‌شد و سپس توافق‌هایی نیز صورت می‌گرفت؛ اما به دلایلی این اتفاقات تحقق نمی‌یافت و با وجود استقبال شدید ایران از پیشبرد لایروبی اروندرود، طرف عراقی تمایلی برای آن نشان نمی‌دهد. گویا عراقی‌ها قصد دارند از طریق خور عبدالله نیازهای خود را برطرف کنند. لذا به دلیل اینکه اروندرود ۳۵ سال است دست نخورده باقی مانده و هزینه بالایی دارد از آن سرباز می‌زنند. چند سال پیش مقامات وزارت حمل‌ونقل عراق، در توافق با دو شرکت بلژیکی و سوئسی، قراردادی بسته‌اند که در آن عراق آب‌خور منطقه «خور عبدالله» و بندر «ام القصر» را بیشتر خواهد کرد و با گودبرداری در این مناطق، به ویژه حاشیه بندر ام‌القصر بر افزایش رفت‌وآمد کشتی‌ها با تناژ بالاتر در این بندر اقدام خواهند کرد (<http://shabche.ir>).



نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی اروندرود در مرز دو کشور

منبع: (<http://shabche.ir>)

مورد دیگر اثرگذاری رودخانه اروندرود بر روابط دو کشور، جابه‌جایی آن است. رودخانه طبق نظر کارشناسان سالانه حدود نیم مایل به طرف عراق حرکت می‌کند.

به‌علاوه پروتکل ۱۹۷۵ در ماده دو، مقرر کرده که خط مرزی تالوگ مسیر جدید رودخانه است؛ در صورت تغییرات به علت‌های غیرطبیعی مرز به وضعیت سابق باقی خواهد ماند؛ مگر اینکه کشورها معاهده جدیدی را منعقد کنند. از این مقررات چنین استنباط می‌شود که تغییری که طبیعی نباشد تأثیری در خط مرزی ندارد (پورنوری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۹). ایران و عراق در پروتکل ۱۹۷۵ متعهد شدند تا اگر مسیر رودخانه تغییر کند با هزینه دو کشور ظرف دو سال از تاریخ اطلاع از آن تغییرات، رودخانه را به بستر سابقش برگردانند؛ مگر اینکه طور دیگری توافق کنند. در این مدت همه حقوق طرفین محفوظ خواهد بود (همان، ص ۱۲۲). گزارش‌های رسیده همچنین حاکی است که لایروبی نکردن اروندرود و مسائل رخ داده زیست‌محیطی ناشی از خشک‌سالی‌های اخیر، باعث فرسایش ساحل اروندرود عراق شده است (<http://www.tabnak.ir/fa/news/86930>). همچنین مسائل زیست‌محیطی این رودخانه می‌تواند از دیگر ابعاد مؤثر آن در روابط دو کشور باشد. در ماه‌های گذشته، عراقی‌ها تلاش کرده‌اند در یک حرکت تبلیغاتی، ایران را به آلوده کردن اروندرود و به ویژه بخش بالایی آن متهم کنند، این در حالی است که عراقی‌ها در آلوده کردن بخش عمده‌ای از اروندرود، نقش مهمی داشته و به همه مسائل زیست‌محیطی این آبراه راهبردی، بی‌تفاوت هستند (همان).

د) **منابع معدنی مرزی:** منابع معدنی که در مرز دو کشور ایران و عراق وجود دارد؛ در صورت نبودن تفاهم‌نامه‌های مشترک برای بهره‌برداری، می‌تواند عامل زمینه‌ساز مشاجره دو کشور را فراهم آورد. مهم‌ترین منبع معدنی که در مرز دو کشور وجود دارد، حوضه‌های هیدروکربنی مرزی است.

منابع نفتی مشترک ایران با عراق در مناطق نفت شهر (سومار)، برزگان (ارتفاعات مرزی حمرین روبروی موسیان) و حوضه نفتی مجنون (طلائی‌ه) قرار دارد (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۹). ذخایر نفتی خاتقین در داخل خاک عراق و نفت شهر و نفت خانه در داخل خاک ایران، هر دو از منبع زیرزمینی مشترکی تغذیه می‌شوند. یکی از مناطقی که

از ابتدای جنگ به اشغال نیروهای عراق درآمد، نفت شهر بود. نفت شهر به جهت آنکه تنها شهر ایران در منطقه غرب کشور است که در آن نفت کشف و استخراج شده و نیز به خاطر نقشی که میدان نفتی این شهر در تأمین نفت خام پالایشگاه کرمانشاه داشته حائز اهمیت است. علاوه بر آن نزدیکی نفت شهر به مرز و همسایگی آن با شهرک نفتی نفت خانه عراق همواره بر اهمیت آن افزوده است. نفت استخراج شده از این شهر نسبت به نفت حوزه‌های اهواز مرغوبیت بیشتری دارد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۹). همچنین منطقه نفتی مجنون بزرگ‌ترین منبع نفت خام است که هنوز دست نخورده در دو سوی مشترک ایران و عراق قرار دارد (سایت خبرگزاری مهر). البته بعضی منابع حاکی از استخراج نفت این منطقه از سوی دولت عراق در طول سال‌های گذشته است. ایران نیز در تابستان ۱۳۸۸ موفق به کشف یک میدان بزرگ نفتی در سوسنگرد شده است. کشف این میدان نفتی پس از حفر تمام لایه‌های انباری جدید طبق برنامه پیش‌بینی شده در عمق ۵۰۲۶ متری با موفقیت به پایان رسید و میزان حجم نفت درجا در لایه‌های اشاره شده در حالت مورد انتظار و ممکن در این میدان بالغ بر ۸ میلیارد و هشت صد و سی میلیون بشکه نفت است (مه‌دی‌ان و ترکاشوند، ۱۳۸۹، ص ۴).

ذخایر قابل بازیافت میدان نفتی چشمه خوش که در سال ۱۹۶۷ در مجاورت مرز دو کشور کشف شد، ۲۵۰ میلیون بشکه برآورد شده است. این حوزه با عمق ۱۰۷۰۰ فوت، چندین بار مورد حمله عراق قرار گرفت و تولید آن متوقف شد. پس از برقراری آتش‌بس و بیش از یک سال کارهای تعمیراتی، تولید آن به میزان ۵۰ هزار بشکه در روز آغاز شد و دارای چهار حلقه چاه است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۸۹). حوزه نفتی دهلران در سال ۱۹۷۲ در عمق ۱۰۷۰۰ پایی کشف شد. ذخایر نفت قابل بازیافت این حوزه حدود ۳۵۰ میلیون بشکه و ذخایر گاز آن احتمالاً بیش از یک تریلیون فوت مکعب است (همان). حوزه گازی تنگ بیجار با بیش از ۳ تریلیون فوت مکعب ذخایر قابل استحصال است که در سال ۱۹۶۵ در مرز دو کشور (شرق بغداد) کشف شد. آزمایش به عمل آمده از چاه اکتشافی حاکی از توان تولیدی روزانه ۲۳ میلیون فوت

مکعب گاز از نقطه کم عمق بود (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴، ص ۹۱). همچنین، حوزه نفتی پیدر و حوزه گازی سه‌ند نزدیک مرز دو کشور واقع شده‌اند (همان).

به طور کلی، به نقل از سایت خبر/اقتصادی تعداد میادین مشترک دو کشور دوازده میدان است که شرکت ملی نفت ایران از این میادین روزانه ۱۳۰ هزار بشکه نفت خام تولید می‌کند و در شرایط فعلی سهم برداشت نفت عراق از میادین مشترک دو کشور حدود ۲۹۵ هزار بشکه در روز است. وزارت نفت و انرژی عراق در سال‌های گذشته قرارداد توسعه ۱۱ میدان نفتی خود را به شرکت‌های نفتی بین‌المللی واگذار کرد که با اجرای کامل این قراردادها پیش‌بینی می‌شود ظرفیت نفت عراق از ۲.۵ میلیون بشکه به ۱۲ میلیون بشکه در روز افزایش یابد و این مسئله پیش می‌آید که آیا اگر عراق تمام منابع مالی و اعتباری مورد نیاز طرح‌های نفتی را جذب کند، می‌تواند از محل توسعه میادین مشترک نفتی تا سقف ۷۷۰ هزار بشکه در روز برداشت کند (سایت خبر اقتصادی، ۲۴ بهمن ۱۳۹۲). افزایش میزان بهره‌برداری از این منبع می‌تواند موجب اعتراض کشور مقابل شود و زمینه بروز اختلاف دو کشور را فراهم آورد.

ذ) **باروری ابرها:** تا به حال، منازعات قانونی بر سر باروری ابرها به منظور تأمین باران در معدودی از جامعه‌های دشت‌های بزرگ ایالت متحده آمریکا اتفاق افتاده است؛ اما با پیشرفت فناوری نتایج حاصل از آن تا سطح بین‌المللی گسترش می‌یابد (هاگت، ۱۳۷۹، ص ۳۷۸).

در صورت رشد فناوری و استفاده از این روش، یکی از عواملی که در روابط ایران با کشورهای عربی عمل خواهد کرد، باروری ابرها خواهد بود. «در دوره سرد سال کشور ایران تحت قلمرو بادهای غربی درمی‌آید و شرایط ناپایداری جهت صعود هوا فراهم می‌شود» (علیجانی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۵). بر اساس مطالعات علیجانی منابع عمده رطوبت ایران عبارت‌اند از: دریای مدیترانه، دریای سرخ، دریای سیاه، دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان و خلیج بنگال. رطوبت دریای خزر فقط در سواحل آن نفوذ می‌کند و کوه‌های البرز از پیشروی آن به طرف داخل ممانعت می‌کند. رطوبت دریای مدیترانه در

تمام ایران گسترده می شود و بارندگی های اغلب نقاط ایران را سبب می شود. بیشتر بخار آب دریای مدیترانه در دامنه های غربی زاگرس ریخته می شود» (پیشین، ص ۱۰۹ و ۱۱۰).

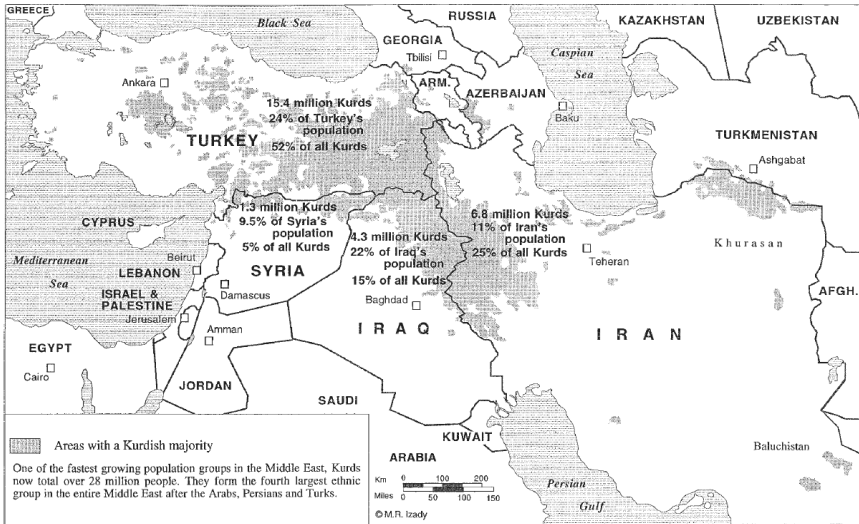
این رطوبت ها که توسط موج بادهای غربی به ایران می رسند؛ نخست از سرزمین های شرق مدیترانه گذشته و بعد به ایران می رسند. در صورت فراگیر شدن این روش (باروری ابرها و ایجاد باران مصنوعی) کشورهای غربی به خاطر شرایط طبیعی خشک و بیابانی خود از این روش استفاده فراوانی خواهند کرد. کشور عراق احتمالاً در صورت دارا بودن این فناوری، از این روش برای تغییر ویژگی های محیطی خود در بیابان های غرب و جنوب غرب کشور استفاده کند و مانع ورود کامل این توده های باران آور به کشور ایران می شود که این کار، اعتراض ایران را به دنبال خواهد داشت. این وضعیت در صورتی تشدید خواهد شد که کشور ایران سعی در مهار و یا انحراف آب های خارج شده به کشور عراق داشته باشد.

ر) کردستان: کردها یکی از آخرین گروه های قومی عمده خاورمیانه هستند که موفق نشده اند یک جنبش سیاسی جدی، پایدار و متحد پدید آورند که بتواند مانند جنبش فلسطین توجه محافل بین المللی را به خود جلب کند. هرگونه راه حلی برای مسئله کردها که مستلزم تشکیل یک دولت کرد باشد، دست کم برای قلمرو و منافع دو کشور ترکیه و عراق مصیبت بار است و بر تمامیت ارضی ایران نیز ضربه ای جدی وارد می کند. - برای عراق یک دولت کرد، بخش اعظم میادین نفتی این کشور را تصاحب خواهد کرد.

- برای ترکیه یک دولت کرد به معنای از دست رفتن تقریباً تمامی قلمرو ترکیه جنوبی خواهد بود.

- برای ایران، اراضی از دست رفته نسبتاً کمتر از ترکیه یا عراق خواهد بود، و این اراضی که در شمال غربی واقع شده اند گرچه پهناورند، اما از نظر اقتصادی حاشیه ای محسوب می شوند؛ اما جدائی کردها، ایران را با مسائل سایر اقوام جدائی طلب نیز

مواجه خواهد کرد (فولر، ۱۳۷۳، ص ۵۱).



نقشه ۳: پراکندگی جغرافیایی اکراد در خاورمیانه

منبع: (ایزدی، ۲۰۰۷، ص ۷۲)

گرچه مشکل کردها، یک مشکل مشترک برای دو کشور است؛ اما هر دو کشور، به‌خصوص کشور ایران، سعی کرده‌اند به‌عنوان یک ابزار بر علیه دیگری از آن استفاده نمایند، و آن‌ها را به همکاری مشترک برای واپایش این مشکل نکشانده است. «یکی از پیش‌شرط‌های کشور عراق برای پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر بین دو کشور، عدم حمایت ایران از کردهای عراق بود. و باز یکی آر ادعاهای آن کشور برای آغاز جنگ تحمیلی، متهم نمودن ایران به حمایت از کردهای عراق بود» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۲).

آسیب‌پذیری کشور عراق از کردها به دلیل نسبت جمعیتی بالاتر، پراکنش جغرافیایی متمرکزتر، ارزش اقتصادی بالاتر و مرکزگریزی بیشتر اکراد و اعراب، نسبت به آسیب‌پذیری ایران از جانب کردها بیشتر است.

در کشور عراق از زمان تأسیس، مناطق پرواز ممنوع در نتیجه جنگ اول خلیج فارس موقعیت کردها تغییر کرد، همان‌گونه که آن‌ها مناطق خودمختار خودشان را تأسیس کردند (http://www.cia.gov/cia/publication). تثبیت یک منطقه خودمختار یا مستقل کرد در شمال عراق، نیروی مرکزگریزی کردها را در کشورهای همسایه بیشتر کرده و چالش عمده ای در امنیت ملی آن‌ها خواهد بود.



نقشه ۴: دولت اقلیم کردستان در عراق

شکل‌گیری نوعی از خودمختاری که در حال تبدیل شدن به حکومتی فدرال در چارچوب عراق است، در جوار مناطق کردنشین منطقه و با توجه به ساختار قومی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی چالش‌هایی را در آینده سیاسی برای ترکیه، ایران و سوریه در پی خواهد داشت. این حکومت در تعامل و پیوستگی با مدیریت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با حرکتی نرم و آرام، مناطق کردنشین در کشورهای همسایه از جمله ایران را حول محورهای فرهنگی-سیاسی تحت تأثیر قرار خواهد داد

که این تأثیرات به شکل زیر قابل بررسی هستند: ۱- تقویت هویت و فرهنگ کردی؛ ۲- تأثیرات ذهنی-روانی؛ ۳- تقویت ناسیونالیسم کردی؛ ۴- افزایش مطالبات از دولت مرکزی؛ ۵- حمایت از مخالفان کشورهای پیرامون و پناه دادن به آن‌ها در داخل سرزمین کردستان عراق؛ ۶- رونق تجارت و قاچاق مرزی به علت زیرساخت صنعتی-خدمت‌مندی نامناسب مناطق کردنشین؛ ۷- تأثیرات منطقه‌ای؛ ۸- جهانی کردن مسئله کرد و وارد کردن آن به معادلات بین‌المللی (محمدی و خالدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹ و ۲۲۰).

م) **خوزستان یا عربستان:** جلگه خوزستان و ناحیه‌های جنوب عراق تا سماوه در کنار فرات و کوت بر روی دجله، از نظر زبانی، فرهنگی و مذهبی به یک واحد مشخص فرهنگی، شباهت تام دارند. مذهب شیعه، زبان عربی و تعامل‌ها و پیوندهای نسبی و سببی دیرینه قبیله‌ها و طایفه‌ها، موجب تکوین این منطقه مشخص بوده است (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۳۷). مجموعه این مشترکات قومی، مذهبی، جغرافیایی-تاریخی به همراه تنگنای ژئواستراتژیکی عراق و جذب اقتصاد استان خوزستان، سبب شده که این کشور در گذشته چشم طمع به این استان دوخته و با عنوان عربستان درصدد تجزیه و الحاق آن به کشور خود باشد.

ادعاهای عراق نسبت به خوزستان بر اساس دو عامل، یکی تاریخی و دیگری جمعیتی استوار بود: الف) عامل تاریخی: دولت عراق ادعا می‌کرد که اکثریت مردم خوزستان عرب هستند و خوزستان تا قرن نوزدهم زیر سلطه اعراب بوده و در قرن نوزدهم که اختلاف‌های ایران و عثمانی با میانجیگری روسیه و انگلستان حل شد؛ عربستان (خوزستان) به ایران داده شد؛ ولی در سال ۱۲۳۶ ش (۱۸۵۷) ناصرالدین شاه طی یک منشور سلطنتی، استقلال عربستان (خوزستان) را تحت رهبری امرای عرب اعلام کرد. لشکرکشی رضاخان پهلوی به عربستان (خوزستان) سبب اخراج شیخ خزعل از آنجا شد و خوزستان ضمیمه ایران شد؛ ب) عامل جمعیت: دولت عراق ادعا می‌کرد که ساکنان استان خوزستان عرب هستند و تحت استعمار ایران بسر می‌برند (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷، ص ۲۸۸). در زمان حزب بعث دولت عراق همچنین از حرکت‌های

تجزیه طلبانه در خوزستان حمایت کرد. این حرکت‌ها عبارت بودند از: «جبهه آزادی‌بخش عربستان» (جبهه تحریر عربستان)، «جبهه خلق برای آزادی اهواز» (الجبهه الشعبیه التحریر الحواز) و «جنبش دموکراتیک انقلابی» (الحركة الثوریة الیدیمقریطة) (همان، ص ۴۵۳).

براساس این پیش فرض‌ها، صدام در هنگام حمله به ایران انتظار داشت که استان خوزستان بر علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده و با نیروهای عراقی همراهی می‌کند؛ اما «به رغم تردیدهای بعضی از ایرانیان نسبت به وفاداری جمعیت عرب، اعراب ایرانی ساکن استان خوزستان، در دوران اشغال این استان توسط عراق در نخستین روزهای جنگ، با عراق همراهی نکردند» (فولر، ۱۳۷۳، ص ۴۸).

یکی از عوامل مؤثر بر مرکزگریزی اعراب خوزستان در ایران علاوه بر اشتراکات فرهنگی با جنوب عراق پیوستگی جغرافیایی سرزمین استان خوزستان با بین‌النهرین و جدائی آن از فلات ایران توسط کوه‌های مرتفع زاگرس است. این عوامل باعث شده که ارتباطات اعراب بیشتر با آن سوی مرز و جلگه بین‌النهرین برقرار باشد تا با نواحی داخلی ایران و همین عامل مرکزگریزی آن‌ها را افزایش داده است.

نکته‌ای که در مورد مرکزگریزی اعراب باید به آن توجه کرد، شرایط سیاسی حاکم بر هر دو کشور است. درست است که اعراب خوزستان در جنگ ایران و عراق با نیروهای صدام همراهی نکردند؛ اما در همین زمان اعراب شیعه جنوب عراق نیز تحت ظلم حکومت ضد شیعی صدام بودند و اعراب خوزستان دل‌خوشی از آن حکومت نداشتند و در همین زمان حکومت شیعه محور جمهوری اسلامی ایران را پایگاه مناسبی برای خود می‌دانستند. در صورت پیدایش یک مردم‌سالاری واقعی در کشور عراق و حضور بیشتر شیعیان در سرنوشت سیاسی کشور و یا روی کار آمدن یک حکومت رادیکال ناسیونالیستی در ایران، مرکزگریزی اعراب خوزستان بیشتر می‌شود.

ن) پیوندهای مذهبی: دو کشور ایران و عراق، کشورهایی هستند که بیشترین تعداد شیعیان را دارا هستند و در واقع مرکز دنیای تشیع می‌باشند. مراکز مذهبی این دو کشور و به‌خصوص کشور عراق؛ نقش محوری را برای شیعیان دارا هستند.

در صورت روی کارآمدن یک حکومت رادیکال در هر دو کشور، مذهب عاملی تأثیرگذار در سیاست دوجانبه دو کشور نسبت به هم است؛ در حالی که یکی از عوامل آغاز جنگ تحمیلی برای صدام، ترس از صدور انقلاب شیعه محور ایران به آن کشور، به خاطر اکثریت جمعیت شیعی مذهب آن کشور بود. کشور ایران همواره، به علت نادیده گرفتن حقوق شیعیان، به چشم یک حکومت غاصب به حکومت حزب بعث می‌نگریست و آن را فاقد مشروعیت سیاسی می‌دانست.

در حالی که اکثریت بالای جمعیت عراق شیعه هستند؛ اما تاکنون دارای پائین ترین میزان پست‌های مدیریتی رده بالای کشور بوده‌اند. «پس از استقلال عراق در سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۵۸ تمام پنجاه و نه کابینه عراق به استثنای پنج کابینه به‌وسیله نخست وزیران سنی مذهب تشکیل شده است. پس از انقلاب ۱۹۵۸ عراق، تمام کابینه سنی مذهب بوده‌اند و این در حالی است که سنی‌ها در اقلیت هستند (هاتف، ۱۳۷۱، ص ۱۴). به نظر می‌رسد برابری واقعی برای شیعیان عراق فقط در یک مردم‌سالاری به دست خواهد آمد؛ اما مردم‌سالاری واقعی، نخبگان سنی را با این معضل مواجه می‌کند که اکثریت شیعه قدرت انتخاباتی در خور توجهی خواهد داشت. در واقع انتخابات آزاد عراق به شیعیان امکان خواهد داد که بر صحنه سیاسی عراق مسلط شوند (عزتی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۲).

در حالی که شاخه‌های مذهب سنی اسلام فاقد علاقه‌های مذهبی مهم در این دو کشور هستند؛ اکثریت علاقه‌های بسیار مهم مذهب شیعه در این دو کشور قرار دارند. از زمان تقسیم جهان اسلام، شیعیان معمولاً از طرف حکومت‌های وقت از زیارت عتبات عالیات خود منع شده‌اند. «وجود عتبات عالیات در عراق موجب می‌شود که هر ساله تعداد زیادی از ایرانیان برای زیارت عازم عراق یا عربستان سعودی شوند. در این میان،

حکام دولت عثمانی با زائرین ایرانی بدرفتاری کرده؛ موجبات بروز مخاصمات بین دو کشور را فراهم می‌کردند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۶). تنها از سال ۱۹۳۲ تا ۱۳۷۵ ه.ش.، چهارده نوبت زائران ایرانی از ورود به عراق منع شده‌اند (کریمی پور، ۱۳۷۹، ص ۴۸).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این تحقیق عوامل جغرافیایی مشکل‌زا در مرز دو کشور ایران و عراق مورد بررسی قرار گرفت. این عوامل در قالب عوامل ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی، ژئواکونومیکی و ژئوکالچر قابل مطالعه و دسته‌بندی هستند. تاکنون عوامل ژئوپلیتیکی و به‌خصوص رودخانه اروند، مهم‌ترین عامل مؤثر در روابط دو کشور بوده است. این عوامل به همراه عوامل مؤثر دیگر، دو کشور را به یک جنگ هشت ساله کشاند که هنوز سال‌ها پس از پایان جنگ قرارداد صلح رسمی بین آن‌ها به امضاء نرسیده است و دو طرف هنوز در یک آتش‌بس طولانی مدت بسر می‌برند.

هر چند وجود این عوامل در مرز مشترک دو کشور؛ می‌تواند زمینه تفاهم و همکاری دوجانبه را فراهم آورد؛ اما به علت سیاست‌های توسعه‌طلبانه حکومت‌های کشور عراق در گذشته، بیشتر عامل مناقشه و درگیری بوده‌اند تا عامل همکاری مشترک بین دو کشور و آینده سیاسی مبهم کشور عراق نیز همچنان راه برون رفت از این مشکلات را تیره نشان می‌دهد.

عوامل جغرافیایی موجود در مرز کشور عراق همواره تعیین کننده سیاست خارجی این کشور با همسایگانش بوده‌اند. کارشناسان موضوع معتقدند که هیدروپلیتیک، در آینده تعیین کننده روابط بین بسیاری از کشورها، به ویژه در خاورمیانه است. کشور ایران با توجه به اینکه سرچشمه رودخانه‌ها را در اختیار دارد، از این لحاظ از یک موقعیت خاص و ژئواستراتژیک برخوردار بوده و این عامل برای ایران یک نکته قوت مهم به حساب می‌آید؛ اما در صورت رشد فناوری و توسعه روش باروری ابرها و

ایجاد بارش مصنوعی، وضعیت معکوس شده، و بیشتر کشور عراق است که از این لحاظ منتفع می‌شود.

با اینکه بیشتر عوامل ژئوکالچر می‌توانند برای هر دو کشور زمینه‌ساز همکاری باشند؛ اما دو کشور به‌ندرت در این زمینه به تفاهم دست یافته و بیشتر به‌صورت دوره‌ای و ابزاری از آن بر علیه یکدیگر استفاده کرده‌اند.

استفاده ابزاری از این عوامل که گاهی دو کشور در پیش می‌گیرند، ممکن است در کوتاه‌مدت دارای نتیجه مؤثری باشد؛ اما در درازمدت به صلاح دو کشور نبوده و زمینه یک ناامنی بادوام منطقه‌ای را بیشتر فراهم می‌کند. لذا با عنایت به مطالب ذکر شده پیشنهاد می‌شود: ۱- این دو کشور به دلیل برخوردار بودن مذهب مشترک و قومیت (۶۰ درصد عراق شیعه هستند) سیاست فرهنگی یکسانی در پیش بگیرند؛ ۲- به دلیل قرارگیری هر دو کشور در کمربند خشک و بیابانی این دو کشور به‌جای تقابل در زمینه آبی، بهتر است همکاری‌های مشترک را افزایش دهند؛ ۳- به دلیل بحران خشک‌سالی که باعث شده هر دو کشور تحت تأثیر ریزگردها قرار گیرند؛ لذا بهتر است هر دو کشور همکاری بیشتری در مقابله با آن داشته باشند. با عنایت به مطالب ذکر شده؛ بهتر است از این عوامل نه به عنوان یک تهدید علیه دیگری، بلکه به عنوان یک فرصت برای گسترش روابط و ارتقای سطح همکاری استفاده شوند.

منابع

- اطلس منابع آب ایران (۱۳۶۹)، دفتر مطالعات برنامه‌ریزی و مطالعات منابع آب.
- الهی، همایون (۱۳۸۴)، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر قومس.
- پرسکات (۱۳۵۸)، *گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی*، ترجمه دکتر دره میرحیدر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- پورنوری، منصور (۱۳۸۲)، *حقوق دریاها*، جلد دوم، تهران: انتشارات مهد حقوق.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی دریاها با تأکید بر*

آب‌های ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۷)، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۱)، کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

- دریس‌دال، آلاس‌دیر و همکاران (۱۳۷۰)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دکتر دره میرحیدر، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- دوورژه، موریس (۱۳۸۲)، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- سایت خبرگزاری مهر، در تاریخ ۱۳۸۵/۸/۳۰.

- صفوی، سید یحیی (۱۳۷۸)، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، جلد اول، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

- صفحی، سیدمحمد (۱۳۸۰)، ژئوپلیتیک فرهنگی و امنیت ملی، تهران: شمس.

- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱)، تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- علیجانی، بهلول (۱۳۷۴)، آب و هوای ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

- فولر، گراهام (۱۳۷۳)، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.

- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، تهران: جهاد دانشگاهی (دانشگاه تربیت معلم).

- مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۸۴)، جغرافیای اقتصادی ایران، جلد دوم، مشهد:

انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

- محمدی، حمیدرضا و حسین خالدی (۱۳۹۰)، ژئوپلیتیک کردستان عراق، تهران: نشر انتخاب.

- مهدیان، حسین و جلال ترکاشوند (۱۳۸۹)، انرژی و امنیت ملی ایران، تهران: نشر انتخاب.

- میرحیدر، دره و دیگران (۱۳۸۶)، روند قلمروسازی کشورهای ساحلی در بستر خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، صص ۲۱-۱.

- هاتف، محمود (۱۳۷۱)، روابط ایران و عراق و مسئله اروندرود، تهران: شرکت انتشارات پازنگ.

- هاگت، پیتر (۱۳۷۹)، جغرافیا: ترکیبی نو، جلد دوم، ترجمه شاپور گودرزی نژاد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.

- Drysdal, Alasdair & Blake, Gerald H (1985), The Middle East and North Africa, New York, Oxford University Press

- Muir, Richard (1975), Modern Political Geography, London

- Izadi, M.R. (2004), Between Iraq and a Hard Place: The Kurdish Predicament, in Lawrence G. Potter and Gary G. Sick, Iran, Iraq, and the Legacies of War, New York, Palgrave Macmillan

- <http://shabche.ir>

- سایت خبر اقتصادی، ۲۴ بهمن ۱۳۹۲ در <http://www.tabnak.ir/fa/news/86930>

- <http://khabareghtesadi.com/fa/news/23102>

- http://en.wikipedia.org/wiki/Politics_of_Iraq

- <https://www.cia.gov/cia/publication/factbook/geos/iz.html>

